



بررسی فقهی حکم خروج زن از منزل برای مشاوره روان شناختی

هاجر ذبیحی^۱، سلمان نعمتی^۲، مریم برقی^۳

چکیده

مشاوره روان شناختی از راهکارهای مهم کاهش تعارضات خانواده و پیشگیری از تزلزل خانواده است، ازسوی دیگر تمکین به معنای انجام وظایف زناشویی توسط زوجه (زن) اصلی ترین حق زوج، پس از عقد نکاح است. از جمله مسائلی که با حق تمکین زوج تعارض دارد، خروج زن از منزل بدون اذن زوج برای مشاوره به منظور رفع آسیب های روانی و تعارضات خانوادگی است. پژوهش حاضر باهدف بررسی فقهی حکم خروج زن از منزل برای مشاوره روان شناختی به روش تحلیلی- اسنادی با رویکرد تجزیه و تحلیل اجتهاد دینی- روان شناختی آیات و روایات انجام شد. بین فقه های شیعه درمورد مشروط بودن خروج زن از منزل به اذن شوهر، دو نظریه وجود دارد: نخست، نظر مشهور فقهاست که در هیچ شرایطی حق خروج از منزل را بدون اذن و رضایت شوهر مجاز نمی دانند. دوم، نظریاتی که خروج زن از منزل بدون اذن شوهر را در صورتی که سبب نشوز شود غیر مجاز می دانند. در پاسخ به نظر اول، نتایج بررسی ها نشان داد که براساس قاعده های لاضرر، تعامل به معروف، قوامیت مرد، آیه وقایه- و بازداری زن و فرزندان از آتش جهنم- و نیز مطلوبیت رجوع به خبره و کارشناس، خروج زن از منزل بدون اذن شوهر برای مشاوره روان شناختی در صورتی که به شرایط روحی و روانی شوهر توجه شود و نیز با رعایت مراتب تدریج مجاز است؛ چراکه سبب استحکام بنیان خانواده شده و از آسیب های فردی و خانوادگی عمیق تر که منجر به طلاق می شود، جلوگیری می کند.

واژگان کلیدی: مشاوره، خروج از منزل، زوج، زوجه، تمکین، فقه، روان شناختی.

1DOI: 10.22034/IJWF.2024.18855.2284

نوع مقاله: پژوهشی تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۳/۲۳ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۰۹/۲۳ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۹/۲۹
۱. دانش پژوه دکتری قرآن و علوم گرایش روان شناسی، گروه علوم قرآن و حدیث، مجتمع آموزشی بنت الهدی، جامعه المصطفی العالمیه، قم، ایران / مدیر گروه علوم تربیتی، مجتمع آموزشی بنت الهدی، جامعه المصطفی العالمیه، قم، ایران.
Email: zabihijahar@gmail.com ORCID: X0000-0002-3594-025

۲. استادیار گروه روان شناسی، دانشگاه ادیان و مذاهب، قم، ایران.
Email: s.nemati@urd.ac.ir ORCID: 0000-0001-8107-5837

۳. استادیار و مدیر گروه فقه خانواده، مجتمع آموزش عالی بنت الهدی، جامعه المصطفی العالمیه، قم، ایران. (نویسنده مسؤل)
Email: msc.amouie@gmail.com ORCID: 0000-0003-3834-0484

A Jurisprudential Study of the Ruling on the Woman Leaving the House for Psychological Counselings

Hajar Zabihi, ¹Salman Nemati, ² Maryam Borghei ³

Psychological counseling is one of the important strategies for reducing family conflicts and preventing family instability. On the other hand, obedience, meaning the fulfillment of marital duties by the wife (woman), is the most important right of the couple after the marriage. Among the issues that conflict with the right of obedience of the couple is the woman leaving the house without the husband's permission for counseling in order to eliminate psychological damages and family conflicts. The current study aimed to jurisprudentially investigate the ruling on the woman leaving the house for psychological counseling using an analytical-documentary method with the approach of analyzing religious-psychological Ijtihad of verses and narratives. Among Shiite jurists, there are two theories about the conditionality of the woman leaving the house with the husband's permission: first, according to the well-known opinion of jurists, under any circumstances, the woman does not have any right to leave the house without the husband's permission and consent. Second, theories that consider the woman leaving the house without the husband's permission to be impermissible if it causes disobedience. In response to the first opinion, the results of the studies showed that based on the principles of non-harm (La Zarar), interaction in a good way, the husband's responsibility, the verse of Veghayah - and preventing women and children from the fire of hell - as well as the desirability of referring to an expert, it is permissible for the woman to leave the house without her husband's permission for psychological counseling if the husband's mental and physical conditions are taken into account and the gradual steps are observed; because it strengthens the foundation of the family and prevents deeper personal and family damages which lead to divorce.

Keywords: counseling, leaving the house, husband, wife, obedience, jurisprudence, psychological.

DOI: 10.22034/IJWF.2024.18855.2284

Paper Type: Research

Data Received: 2024/06/12

Data Revised: 2024/12/13

Data Accepted: 2024/12/13

1. Ph.D. Student in Quran and Sciences in the Field of Psychology, Head of Department of Educational Sciences, Bent al-Hoda Higher Education Complex, Al-Mustafa International University, Qom, Iran.

Email: zabihijahar@gmail.com  0000-0002-3594-025x

2. Assistant Professor, Department of Psychology, University of Religions and Denominations, Qom, Iran.

Email: s.nemati@urd.ac.ir  0000-0001-8107-5837

3. Assistant Professor, Head of Department of Family Jurisprudence, Bent al-Hoda Higher Education Complex, Al-Mustafa International University, Qom, Iran. (Corresponding Author)

Email: msc.amouie@gmail.com  0000-0003-3834-0484

مهمترین هدف از تشکیل خانواده ایجاد آرامش و سکون است. (ر.ک.، روم: ۲۱) برای تحقق این آرامش و سکون شریعت مقدس احکام و قواعدی را وضع نموده است. یکی از قوانین مهم در خانواده که از حقوق مسلم زوج نیز می باشد، حق تمکین است. تمکین در معنای فقهی همان تمکین خاص است که به «در اختیار بودن زن برای همسرش به منظور خواسته های مشروع جنسی» گفته می شود (جمعی از پژوهشگران، ۱۴۲۳، ۲۲/۲۳) و در معنای حقوقی به قبول ریاست شوهر بر خانواده و محترم شمردن اراده او در امور خانواده است، که بدان تمکین عام گفته می شود (صفایی و امامی، ۱۴۰۲، ۱۷۳/۱). یکی از قوانین بحث برانگیز در بین فقها و یک مسئله پر چالش در افکار عموم جواز یا عدم جواز خروج زن از منزل بدون اذن شوهر است.

برخی از فقها خروج متعارف زن از منزل بدون اذن شوهر با رعایت حق کامجویی شوهر را جایز می دانند (نجفی، ۱۳۹۱). مطالعات نشان می دهد که روایات، بر حبس زن در خانه و جلوگیری از حضور اجتماعی او دلالت ندارد. بهتر است که زن همواره در بیرون رفتن از منزل، با شوهرش هماهنگ باشد، اما نه بدین معنا که زن برای هر بار خروج از منزل اجازه بگیرد بلکه اذن کلی کافی است (احمدوند و آزادی، ۱۳۹۹). ممکن است یکی از موارد خروج زن از منزل برای درمان مسائل، چالش ها و تعارضات خانواده باشد. در صورت توافق زوجین برای رجوع به مشاور، ضمن اینکه حل تعارض خانواده تسریع و تسهیل خواهد شد، چالش فقهی نیز وجود نخواهد داشت که این موضوع از مسئله پژوهش حاضر خارج است، اما در صورت عدم موافقت زوج برای خروج زوجه از منزل به منظور مشاوره روان شناختی، سؤالاتی مطرح است که عبارتند از: آیا عامل ایجاد تعارض در خانواده مشکلات روان شناختی زوجه یا زوج است و یا عوامل مشترک زوجینی؟ مرجع تشخیص رجوع به مشاور و اینکه مشاوره می تواند تعارضات خانوادگی را کاهش دهد کیست؟ آیا الزام بر خروج از منزل وجود دارد و امکان مشاوره غیر حضوری در حل بحران وجود ندارد؟ آیا تعارضات و مسائل خانواده زمینه ساز عدم تمکین می شود و اضطراب ایجاد می کند؟ چه تضمینی بر اجرایی شدن راهکارهای ارائه شده توسط مشاور وجود دارد؟

در مورد سؤال اول باید گفت که چون مشکلات روان شناسی فردی زوجین ارتباط



تنگاتنگی با تعارضات زوجین دارد این مطالعه شامل مشکلات فردی و تعارضات زوجینی است. برای پاسخ به سؤال دوم نیازمند پژوهش‌های دیگری است که مراجع اجرایی و حاکمیتی نیز تا حدودی می‌توانند نقش آفرین باشند. درباره سؤال سوم نیز همانگونه که در تعریف مشاوره تخصصی خواهد آمد، منظور، مشاوره حضوری در فضای رسمی با مشاوره متعهد و متخصص است و نیازمند خروج و رجوع به مراکز تخصصی مشاوره است. در پاسخ سؤال چهارم نیز آنچه پژوهش حاضر بررسی خواهد کرد مشاوره در موارد اضطرار که زمینه‌ساز عدم تمکین و تزلزل بنیان خانواده خواهد بود مورد نظر است. در مورد سؤال پنجم نیز باید گفت که ضمانت اجرایی راهکارهای مشاوره، بررسی فقهی دیگری را می‌طلبد و می‌تواند هدف پژوهشگران دیگر قرار گیرد.

اهمیت بحث حاضر این است که در مواردی برای برگرداندن صلح و آرامش به خانواده‌های دچار تنش مراجعه به مشاور متخصص، عالم، عاقل و متعهد لازم است. مطالعات نشان می‌دهند که مشاوره خانواده در قالب خانواده‌درمانی یا زوج‌درمانی بر آرامش و رضایت زناشویی، عملکرد خانواده، شادمانی و سازگاری زوجین مؤثر است. (رک.، سودانی، ۱۳۸۹؛ سیدمحرمی، قنبری و اصغری، ۱۳۹۵؛ جانبرزگی، ۱۳۹۵؛ جدیری فتحی‌آشتیانی، موتابی، و حسن‌آبادی، ۱۳۹۶؛ کبان، اعتمادی و بهرامی، ۱۳۹۹؛ ایزدی، ۱۳۹۹)، در **قرآن کریم** نیز بر حل مسائل خانواده تأکید شده است: (رک.، نساء: ۳۵؛ مجادله: ۱؛ حجرات: ۱۰)؛ «و اگر از جدایی میان آن دو [زن و شوهر] بیم دارید پس داوری از خانواده آن [شوهر] و داوری از خانواده آن [زن] تعیین کنید. اگر سر سازگاری دارند، خدا میان آن دو سازگاری خواهد داد. آری! خدا دانای آگاه است» (نساء: ۳۵).

سلامت روابط زوجین و موفقیت آنها در ایفای وظایف زناشویی آثار مهمی بر زوجین، فرزندان و در نتیجه کارآمدی خانواده و فعالیت‌های اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی جامعه خواهد داشت. در عصر حاضر خانواده با تأثیر از تحولات گوناگون اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی، دگرگون شده و این دگرگونی منجر به بروز تعارض در روابط اعضای خانواده، شده است و تعداد خانواده‌های درگیر بحران طلاق رو به فزونی است. مشاوره خانواده می‌تواند به بهبود ارتباط اعضای خانواده و رفع تنش‌های آن کمک کند و از گسست خانواده و افزایش آمار طلاق اعم از قانونی و عاطفی پیشگیری کند. (سالاری‌فر، ۱۳۹۸) بهترین نوع درمان در حیطه

خانواده خانواده درمانی است؛ یعنی در خانواده درمانی اعضای خانواده به طور فردی درمان نمی شوند بلکه کل اعضا باید هم زمان در جلسه های درمانی حضور داشته باشند (تبریزی، دیبائیان، کاردانی و جعفری، ۱۳۹۱). در صورتی که امکان حضور در جلسه های خانواده درمانی فراهم نباشد، هریک از زوجین می توانند به طور فردی با مراجعه به مشاور خانواده و آگاهی از نقش خود در کاهش تعارضات و اختلاف ها، خانواده را به هدف خود که آرامش است نزدیک نماید. انباشت تعارضات زوجین بر کاهش آرامش خانواده و حتی کاهش رضایت جنسی که یکی از اهداف مهم ازدواج است، مؤثر می باشد. مطالعات نشان می دهند که یکی از عوامل مؤثر بر احساس آرامش زوجین و استحکام خانواده، داشتن ارتباط جنسی زوجین مبتنی بر رضایت دوسویه است. مطالعات نشان می دهد اگر زوجین از سطح رضایت جنسی مطلوبی برخوردار باشند از بسیاری مشکلات چشم پوشی می کنند و یا از شدت آن کاسته می شود. در مقابل، نبود رابطه جنسی مطلوب، زمینه را برای دامن زدن به مشکلات جزیی و تبدیل آنها به مشکلات بزرگ مهیا می کند (رحمانی، مرقاتی خویی، صادقی و اله قلی، ۱۳۹۰). عملکرد جنسی مطلوب موجب احساس کامروایی، سرزندگی و شادابی، آرامش روحی، تقویت اعتماد به نفس، کاهش تنش های روزمره زندگی، احساس صمیمیت و نزدیکی بیشتر به همسر می شود و این مهمریال به تحکیم روابط خانوادگی کمک شایانی می کند (فروتن، ۱۳۹۰)، اما گاهی ابتلای زوجین به اختلال های جنسی و یا تعارضاتی که کنش های جنسی زوجین را با مشکل مواجه می کند مانع احساس رضایت از زندگی و عامل تزلزل خانواده می شود. مطالعات نشان می دهد حدود ۴۳٪ از زنان و ۳۱٪ از مردان به اختلالات جنسی دچارند (کارسلون، ایزنستات و زیپورین، ۱۳۸۲). اختلال عملکرد جنسی ممکن است در هر مرحله از چرخه واکنش جنسی رخ دهند. درمانگر اختلالات جنسی از فنون رفتاری و مشاوره زناشویی در درمان مشکلات خاص جنسی بهره می گیرد تا به زوج ها کمک کند مشکلات جنسی خود را برطرف کنند و رضایت بیشتری را تجربه نمایند (تبریزی... و همکاران، ۱۳۹۱). مطالعات نشان می دهد که مشاوره و بازسازی شناختی سبب کاهش مشکلات جنسی زوجین و به دنبال آن افزایش رضایت جنسی می شود (ساسان پور، ۱۳۹۳). براساس مطالعات، زنان بیش از مردان در معرض اختلالات روانی هستند؛ احتمال ابتلای زنان به حملات وحشت زدگی، دو برابر

مردان است. همچنین احتمال اختلال عاطفی فصلی در آنها چهار برابر مردان و احتمال ابتلای آنها به اختلال خوردن نه برابر مردان است. از هر سه زن، یک نفر در طول زندگی دچار افسردگی بالینی می‌شود، در حالی که این نسبت بین مردان، یک نهم است (کارسلون، و همکاران، ۱۳۸۲). امروزه عوامل دیگری استرس و افسردگی در زنان را افزایش داده است؛ عواملی چون تلاش برای برقراری توازن میان شغل و مراقبت از فرزند، گسترش عوامل بحران هویت در فرزندان و چالش‌های تربیتی آنان و تأثیر مخرب رسانه‌های نوین بر خانواده (از قبیل بی‌اعتمادی زوجین به یکدیگر، افزایش فاصله عاطفی و روحی زوجین، تضعیف نقش خانواده، هنجارشکنی‌های اخلاقی، ترویج عشق‌های مجازی، بی‌توجهی به مسئولیت‌ها، تضعیف ارزش‌های اخلاقی، افزایش ارتباطات نامشروع و...) که ضرورت مشاوره در حل این بحران‌های روحی و خانوادگی را بیش از پیش کرده است.

از دلایل اهتمام به انجام چنین پژوهش‌هایی این است که این موضوع بر اعمال عبادی و غیرعبادی زوجه تأثیراتی دارد، به طوری که علاوه بر حرمت تکلیفی، آثار وضعی فراوانی از آن منتج می‌شود؛ آثاری که شاید بر خانواده و روابط بین زوجین تأثیرات مهمی داشته باشد. با توجه به مطالعات انجام شده، خلاء این موضوع در بین پژوهش‌های فقهی مشهود است. هرچند به شکل عام در مبحث حکم اذن زوج در خروج زوجه از منزل مطالعاتی انجام شده است، رجوع به مشاور در مسائل روان‌شناختی در حل تعارضات فردی و خانوادگی، یک مسئله مستحدثه فقهی را ایجاد کرده است و ضرورت پاسخ به این سؤالات که آیا از دیدگاه آیات و روایات اذن شوهر در خروج زن از منزل برای مشاوره الزامی است و آیا ادله‌ای بر جایز بودن این عمل وجود دارد؟ اجتناب ناپذیر است.

۲. روش انجام پژوهش

پژوهش حاضر با رویکرد اجتهاد دینی در روان‌شناسی، به دنبال کشف «حکم فقهی اذن زوج برای مشاوره روان‌شناختی زوجه» است. این پژوهش از نظر هدف، بنیادی است که به دلیل مستحدثه بودن و فقدان ادله خاص «اذن زوج برای خروج زوجه از منزل برای مشاوره روان‌شناختی» با بررسی ادله خاص اذن همسر بر خروج از منزل و ادله خروج از

منزل در موارد خاص (مثل بیماری و غیره)، با روش اجتهادی در پی یافتن پاسخ این پرسش است که، آیا برای خروج زن از منزل برای مشاوره روان‌شناختی اذن همسر لازم است؟ اجتهاد دینی در اصطلاح به معنی تلاش علمی براساس منابع برای اکتشاف و استنباط معتبر مطلق آموزه‌های دین است که به آن اجتهاد عام نیز گفته می‌شود و همه اجتهادهای ممکن در حوزه دین را در بر می‌گیرد. به تناسب نیاز در علوم انسانی، برای اکتشاف و استخراج آموزه‌های دینی در یک موضوع خاص مانند اقتصاد، روان‌شناسی، جامعه‌شناسی و... کوشش علمی داشت که به آن اجتهاد خاص می‌گویند و آن را اجتهاد اقتصادی، اجتهاد روان‌شناختی و اجتهاد جامعه‌شناختی و... می‌نامند. (حسنی و علیپور، ۱۳۸۶)

۳. چارچوب نظری پژوهش

۳-۱. پیشینه پژوهش

پژوهش‌های انجام شده در این مسئله براساس ادله استنباط دودسته است که عبارتند از: مطالعات عام (که در آن استیزان زوجه از زوج برای خروج از منزل، براساس مجموعه قواعد و ادله موجود در آیات و روایات بررسی شده است) و مطالعات خاص (که در آن استیزان زن از شوهر بر خروج از منزل با توجه به یک قاعده خاص بررسی شده است). پیشینه مطالعاتی دسته عام: در مطالعه‌ای که به طور عام شرایط قلمرو و آثار فقهی و حقوقی ریاست زوج در رابطه با زوجه بررسی شده است، بیان می‌دارد که به موجب آیه ۳۴ سوره نساء و ماده ۱۱۰۵ قانون مدنی در رابطه زوجیت، ریاست از آن شوهر است، اما این امتیاز به معنای سلطه و حکمرانی بی حد و مرز شوهر بر همسر خود نیست (پروین و حسینی، ۱۳۹۲). دیدگاه مفسران این است که مقصود از تعبیر «الرجال قوامون علی النساء»، استبداد، اجحاف و تعدی نیست بلکه منظور رهبری واحد و منظم با توجه به مسئولیت‌ها و مشورت‌های لازم است (ر.ک.، طبرسی، بی تا، ۱۳۵/۵؛ طباطبایی، ۱۳۶۰، ۵۴۳/۴)، ضمن آنکه براساس اصول اولیه می‌توان گفت که ریاست و قوامیت مرد در وهله اول یک مسئولیت و وظیفه تلقی می‌شود (جوادی آملی، ۱۳۷۱). احمدی و سلیلی (۱۳۸۹) در مطالعه خود با عنوان «بررسی فقهی مسئله خروج زن از منزل بدون اذن شوهر» بیان می‌دارند که حکم فقها در ممنوعیت خروج بدون اذن شوهر



از منزل، به علت حق استمتاع شوهر براساس وجود برخی روایات است (بدین دلیل که استمتاع در میان سایر دلائل، ظهور بیشتری دارد). در پژوهش ایشان بیان شده است که حق استمتاع باید دو سویه باشد آن هم به اندازه قابل قبول در نگاه عرف، نه بیشتر و حتی اگر این حق، اساس حق شوهر در بازداشتن زن از بیرون رفتن از منزل دانسته شود، این حق فقط برای بهره‌وری جنسی محقق می‌شود، درحالی‌که سخن فقیهان دراین باره عام است. حقوق همسران، یا در خود پیمان ازدواج با شرط و مانند آن معین می‌شود و یا اگر شرط ویژه‌ای وجود نداشته باشد توسط عرف و سیره عقلا مشخص می‌گردد نجفی (۱۳۹۱).

در مقاله «خروج زن از منزل و اذن شوهر از منظر فقه امامیه»، براساس دیدگاه مشهور فقها (که حکم بر عدم جواز مطلق خروج زن از منزل بدون اذن شوهر در غیرانجام واجب را دادند) و بیشتر حقوق‌دانان که هم نظر با قول مشهور هستند، به بررسی اقوال و ادله مسئله در آیات و روایات پرداخته و با بررسی دیدگاه دیگری که قائل به جواز خروج بدون اذن در صورت عدم تنافی با حقوق مرد هستند، اثبات کرده است که خروج متعارف زن از منزل بدون اذن شوهر با رعایت حق کامجویی شوهر جایز است. (زین العابدین، ۱۳۹۱) احمدوند و آزادی (۱۳۹۹) در مقاله «بررسی فقهی و حکم تکلیفی اذن زن از شوهر هنگام خروج از منزل»، مبانی و مستندات ممنوعیت خروج زن از منزل بدون اذن شوهر، در آیات و روایات بررسی شده است که اثبات می‌کند مسئله اذن خروج زن از منزل مطلق نیست و دارای موارد استثناء می‌باشد. رهبر (۱۳۹۳) در مقاله «محدوده شرعی تمکین عامه زوجه» متذکر می‌شود که اصل لزوم استیذان زوجه برای خروج از منزل با استناد به روایات پذیرفته شده است، اما سؤال اصلی در این زمینه درباره محدوده استیذان است که آیا زوجه در هر خروجی به طور مطلق نیازمند اذن زوجه است؟ بسیاری از فقهای متقدم و متأخر امامیه مانند شیخ مفید، شیخ طوسی، ابوالصلاح حلبی، علامه حلی، امام خمینی و آیت‌الله سیستانی، ظهور در وجوب مطلق اذن و برخی از فقهای معاصر مانند آیت‌الله خویی، سید محمد مهدی شمس‌الدین، سید محمد حسین فضل‌الله و آیت‌الله محمد موسوی بجنوردی، ناظر بر قول دوم است. پیشینه مطالعاتی دسته خاص: علیدوست و عشایری منفرد (۱۳۹۰) در مقاله‌ای باعنوان «بازپژوهی خروج از منزل بدون اذن شوهر از منظر قاعده لاضرر» عنوان کرده‌اند که بسیاری

از فقیهان شیعه چنین برداشت کردند که زن برای هرگونه خروجی نیاز به اذن شوهر دارد و اگر بدون اذن او از خانه خارج شود فعل حرامی انجام داده و ناشزه تلقی می‌شود، اما اینکه آیا خارج شدن یا نشدن زن از خانه مصداق ضرر شمرده می‌شود تا با قاعده لاضرر حرمتش نفی شود نیز به گوناگونی برداشت‌های فقیهان از قاعده لاضرر بستگی دارد. براساس برخی دیدگاه‌ها بسیاری از آسیب‌هایی که با خارج نشدن زن از خانه ممکن است متوجه ایشان شود ضرر شمرده نمی‌شود تا مشمول قاعده لاضرر شود و اگر قاعده لاضرر نافذی ضررهای شخصی باشد، حکم ضرری را فقط از همان شخصی که ضرر متوجه او شده نفی می‌کند نه از همه افراد. یعنی اگر حرمت خروج بی‌اذن است، که فقط موجب زیان دیدن برخی از زنان می‌شود این حکم فقط از همان زنان نفی می‌شود و به این بهانه نمی‌توان حکم را به صورت کلی از همه زنان نفی کرد.

نوذری فردوسیة (۱۴۰۱) در مطالعه خود با عنوان «تحلیل فقهی حقوقی استیذان زن از شوهر در خروج از منزل با تأکید بر قاعده معروف» بیان می‌دارد که به طور کلی در مورد شرطیت استیذان برای خروج زن از منزل دو نظریه میان فقهای شیعه وجود دارد: در نظریه مشهور فقها زن به طور مطلق و در هیچ شرایطی حق خروج از منزل را بدون اذن و رضایت شوهر ندارد و نظر دوم یعنی نظر غیر مشهور، خروج زن بدون اذن شوهر در صورت تنافی با حق استمتاع وی ممنوع است. نویسندگان نظریه سومی را مورد بررسی قرار دادند و آن اینکه خروج زن از منزل نیازمند اذن شوهر است، اما وی با رعایت قاعده معروف و رعایت مصالح خانواده که فراتر از مصلحت فردی است، می‌بایست درباره استیذان زن تصمیم بگیرد. ه مطالعات دیگری نیز در این زمینه انجام شده است که بواسطه موضوع بررسی شده که با حکم استیذان زوجه فاصله داشت از بیان تفصیلی آن در این نوشتار صرف نظر شد مانند مطالعه کرم‌پور (۱۳۹۵) که به بررسی حقوقی و حکم عبادات در صورت عدم تمکین و نشوز از ناحیه زوجه پرداخته است. همچنین مقاله احمدی، احمدی، مرادخوانی و عابدیان کلخوران (۱۳۹۴) که به بررسی تطبیقی حکم استیذان زوجه برای خروج از منزل در فقه فریقین معطوف بوده است.

یافته حاصل از بررسی مجموع مطالعات فوق بیانگر این است که مسئله اذن خروج



زن از منزل مطلق نیست و دارای موارد استثناء می باشد. با جستجوهای صورت گرفته پژوهشی که به حکم اذن مرد در مشاوره زن و فرزندان یافت نشد.

۲-۳. مفهوم شناسی تمکین

لغویون تمکین را به معنای قبول کردن، پذیرفتن فرمان (طریحی، ۱۳۷۵، ۵۳/۲) و متمکن را به معنای صاحب حق قدر و منزلت آورده اند (راغب اصفهانی، ۱۴۱۶ هـ.ق، ۷۷۳/۱). در اصطلاح فقهی و حقوقی تمکین شامل تمکین عام و خاص می شود. تمکین عام یعنی، زن تکالیف خود را در قبال همسرش انجام دهد و از او بر پایه قانون و عرف اطاعت کند و ریاست او در اداره امور خانواده را بپذیرد. توقعات نامشروع یا نامتعارف شوهر از چارچوب تمکین خارج است و زوجه مکلف به اطاعت نیست (صفایی، ۱۳۹۸). تمکین خاص یعنی، زن رابطه جنسی با شوهر را به طور متعارف بپذیرد و جز در مواردی که مانعی موجه داشته باشد از استمتاع جنسی او ممانعت ننماید (محقق حلی، ۱۴۰۸ هـ.ق، ۳۴۷/۲).

۳-۳. مفهوم شناسی نشوز

نشوز در لغت به معنای مکان مرتفع است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۶ هـ.ق) و در علم فقه، به معنای تمکین نکردن، نافرمانی و عدم ایفای وظایف زناشویی ازسوی زوجه است، اما برخی فقها نشوز را در مورد زوج نیز به کار برده اند و سرپیچی زوج در انجام تکالیف خود را نیز نشوز نامیده اند (شهیدثانی، ۱۳۸۳، ۲۰۰/۲)، هرچند در نظام حقوقی کنونی، استعمال نشوز بیشتر برای نافرمانی زوجه کاربرد دارد. این موضوع سبب ایجاد برخی آثار حقوقی می شود؛ از جمله اینکه اگر زوجه ناشزه باشد در مدت ناشزه بودن، حق دریافت نفقه ندارد و حق قسم او زایل می شود.

۴-۳. مفهوم شناسی مشاوره

شور در لغت به معنای بیرون آوردن است. (قرشی بنائی، ۱۳۸۱، ۸۸/۴) مشاوره در معاجم عربی به شَرْتُ العسل تشبیه شده است (فراهیدی، ۱۴۰۹ هـ.ق، ۲۸۰/۶). در مفردات نیز آمده است: «مشورت عبارت است از: به دست آوردن رأی درست با مراجعه افراد به یکدیگر» (راغب اصفهانی، ۱۴۱۶ هـ.ق). مشاوره^۱ در دیکشنری APA به معنی «کمک حرفه‌ای در مقابله با مشکلات شخصی

از جمله مشکلات عاطفی، رفتاری، شغلی، زناشویی، آموزشی، توانبخشی و مراحل زندگی (مانند بازنشستگی) آمده است. مشاوره یک عمل حرفه‌ای با اهداف و کارکردهای مشخص و متمایز از خدمات مستقیم بالینی یا نظارت بالینی است. مشاوره نیاز به شایستگی‌های اولیه خاصی است (فالندر و سافرانسکی،^۱ ۲۰۱۹).

شفیع‌آبادی (۱۴۰۱) در تعریف مشاوره می‌نویسد: «فعالیت‌های تخصصی، یا ورانه، حضوری، هدفدار و عاطفی بین مراجع یعنی، فرد دارای مشکل و مشاور یعنی، کسی که در برقراری رابطه حسنه و حل مشکلات کنشی تخصصی دارد که در آن مراجع در یک جو سرشار از تفاهم و همدلی، آزادانه و صادقانه به طرح مشککش با مشاور می‌پردازد و پس از تجزیه و تحلیل و خودشناسی بهتر و عمیق‌تر با کمک او تصمیم مناسبی می‌گیرد و در نهایت به حل مشکل کنشی توفیق می‌یابد». باتوجه به تعاریف فوق می‌توان گفت که مشاوره تعاملی پویا مابین مراجع و مشاور است. همچنین مشاوره اجبار و تحمیل و همچنین پند و نصیحت نیست و رابطه حضوری است؛ زیرا از سویی ایجاد رابطه حسنه نیازمند همراهی رابطه کلامی و غیر کلامی است و از سوی دیگر مشاهده وضع ظاهری مراجع در شناخت مسئله کمک‌کننده است. مشاور مراجع را به خودشناسی هدایت می‌کند تا مراجع شیوه انتخاب و طرح‌ریزی و زندگی معقول را بیاموزد تا با چگونگی حل مشکلاتش آشنا شود. مشاوره از نظر موضوع انواع مختلفی دارد که عبارتند از: مشاوره تحصیلی و شغلی، مشاوره سازشی یا شخصی، مشاوره کودک و نوجوان، مشاوره پیش از ازدواج، زوج درمانی و مشاوره خانواده یا خانواده درمانی.

۳-۵. مشاوره خانواده (خانواده درمانی)

خانواده درمانی شکلی از درمان کل خانواده به عنوان یک‌گروه است. خانواده واحد درمانی است و تغییر تعامل خانواده، راه تغییر عضو بیمار به شمار می‌رود. (اتریری، و همکاران، ۱۳۸۵)

خانواده درمانی تلاش نظام‌دار برای تغییرات سودمند در جهت انسجام یا یگانگی خانواده از راه تغییر الگوی تعامل خانواده است، به‌گونه‌ای که این تغییرات رضایت فرد را از بودن در خانواده به طور معناداری افزایش دهد (جان‌بزرگی، پسندیده و آذربایجانی، ۱۴۰۲). مشاوره خانواده به



بررسی مسائل و مشکلات همه افراد خانواده می‌پردازد و با آنها ارتباط مؤثر و مفیدی برقرار می‌کند. مشاوران خانواده از جمله روان‌شناسانی هستند که به دلیل بررسی کل خانواده و مراجعه همه اعضای خانواده، می‌توانند تحلیل بهتر و روشن‌تری از مسائل افراد آن خانواده داشته باشند (زهراکار و جعفری، ۱۳۹۷).

۴. بررسی مسئله پژوهش

پژوهش حاضر در پی پاسخ به دو سؤال انجام شد: حکم اذن زوج برای مشاوره زوجه چیست؟ حکم اذن زوج بر خروج زوجه از منزل برای مشاوره چیست؟ در مورد سؤال اول باید گفت که امروزه با وجود فناوری‌های نوین امکان مشاوره برخط و غیربرخط و نیز مشاوره تلفنی برای افراد وجود دارد. هرچند این نوع مشاوره با مشاوره تخصصی سازگار نیست، در صورت ضرورت، چنین مشاوره‌هایی با نظارت مراکز رسمی، معتبر و تخصصی مناسب است. مشاوره بدین صورت اگر در زمان‌هایی باشد که منافاتی با حق استمتاع زوج نداشته باشد، دلیلی بر عدم جواز وجود ندارد. در نتیجه این بحث از موضوع پژوهش حاضر خارج است. بنابراین، در پژوهش حاضر این سؤال که آیا خروج زن از خانه برای مشاوره روان‌شناختی بدون اذن شوهر جایز است؟ مورد بررسی و تحلیل قرار گرفت.

۴-۱. حکم خروج زن از منزل برای مشاوره روان‌شناختی

فقیهان شیعه از جمله سید ابوالحسن اصفهانی و امام خمینی رحمات‌الله علیهما خارج نشدن زوجه از خانه بدون اذن زوج را حق مسلمی برای زوج دانسته‌اند. (اصفهانی و موسوی خمینی، ۱۳۸۰) شهید ثانی نیز این موضوع را حق مستقلی برای شوهر دانسته است و آن را از لوازم نکاح می‌داند (جبعی عاملی، ۱۴۱۳ هـ.ق، ۳۰/۸). برخی از فقیهان بر این نظر هستند که حتی در مواردی مانند اینکه زوج در مسافرت باشد، که در این شرایط حق استمتاع، معنا ندارد، باز هم زن بدون اذن همسرش حق خروج از منزل ندارد (آملی، ۱۳۸۰، ۵۵/۱۲-۵۶). برخی دیگر از فقهاء هر چند اذن خروج از منزل را حق مستقلی برای مرد نمی‌دانند، این جهت که حق استمتاع را به زمان و مکان محدود نمی‌دانند، اذن شوهر را برای خروج زن از منزل لازم می‌دانند (نجفی، ۱۳۶۲، ۱۸۳/۳۲). براین اساس، این سؤال مطرح می‌شود که آیا این عدم جواز خروج زوجه از

منزل بدون اذن زوج شامل خروج برای مشاوره روان‌شناسی در حل تعارضات زوجین نیز می‌شود یا اینکه این مسئله جزو استثنائات است؟ در اینجا دو دیدگاه وجود دارد؛ دیدگاه اول مطلق خروج از منزل با اذن زوج که شامل مشاوره روان‌شناختی نیز می‌شود و دیدگاه دوم جواز خروج بدون اذن زوج برای مشاوره روان‌شناختی.

۴- ۱- ۱. قول اول: لزوم اذن زوج در خروج از منزل برای مشاوره روان‌شناختی

اول، استدلال به آیه قوامیت در لزوم اذن زوج در خروج از منزل برای مشاوره روان‌شناختی

قرآن کریم در آیه «الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضُهُمْ عَلَى بَعْضٍ... مردان، سرپرست زنانند، به دلیل آنکه خدا برخی را بر برخی برتری داده است...» (نساء: ۳۴) به بیان وظیفه و جایگاه مردان در خانواده اشاره دارد و آنان را مدیر و سرپرست زن و خانواده معرفی می‌کند و علت آن، نوعی برتری است که خدای تعالی به واسطه طاقت مردان بر کارهای دشوار و امثال آن به ایشان داده است؛ زیرا زندگی زنان یک زندگی احساسی و عاطفی است. (طباطبایی، ۱۳۶۳، ۵۴۳/۴) اکثر محققان جایگاه مرد را جایگاه مدیر و سرپرست دانسته و برای تبیین منظورشان از تعبیر مختلفی استفاده کرده‌اند. عده‌ای از قوامیت به معنای قیمومت و سرپرستی نام برده‌اند (ر.ک.، قرشی بنابی، ۱۳۷۷، ۳۵۴/۲؛ مدرسی، ۱۴۱۹ه.ق، ۷۴/۲؛ نجفی خمینی، ۱۳۹۸، ۲۱۷/۳). برخی محققان نیز مراد از قوامیت مرد را ولایت وی دانسته‌اند (ر.ک.، قرائتی، بی‌تا، ۲۸۲/۲؛ مغنیه ۱۴۲۴ه.ق، ۳۱۵/۲) و عده‌ای نیز از قوامیت، عنوان سلطه مرد بر زن نام برده‌اند (ر.ک.، شریف‌لاهیجی، ۱۳۷۳، ۴۶۹/۱؛ حسینی شیرازی، ۱۴۲۴ه.ق، ۴۷۵/۱؛ طبرسی، ۱۴۰۶ه.ق، ۶۸/۳؛ عاملی، ۱۴۱۳ه.ق، ۳۱۱/۱؛ شبر، ۱۴۱۲ه.ق، ۱۱۴/۱) تاجایی که برخی در این مورد قیدی همچون والی حاکم بر رعیت را نیز آورده‌اند (ر.ک.، قمی مشهدی، ۱۳۶۸، ۳۹۶/۳؛ سبزواری نجفی، ۱۴۰۶ه.ق، ۲۸۵/۲؛ شبر، ۱۴۰۷ه.ق، ۴۱/۲). از منظر صاحبان این دیدگاه، سرپرستی و مدیریت مرد اطلاق دارد و تمامی فعالیت‌ها و امورات زن و خانواده را در برمی‌گیرد، از جمله این فعالیت‌ها خروج زوج برای مشاوره روان‌شناختی نیز می‌باشد. بنابراین، مطابق نظر این دسته از فقها خروج زن از منزل بدون اذن زوج جائز نیست.

در نقد این دیدگاه که جایگاه مرد در خانواده را همچون جایگاه حاکم در مقابل رعیت بیان می‌کند باید گفت که در گذشته تصور بر این بود که مرد هدایت بی‌چون و چرای خانواده و اعضای آن را بر عهده دارد، روح و جسم زن متعلق به اوست و باید آسایش و رضای



خاطر شوهر را فراهم کند و شوهرش می‌تواند به هر شکلی که می‌خواهد از حق ریاست خود استفاده کند. درحالی‌که بین‌ترین تعبیر نسبت به قوامیت عبارتند از: «قیمومیت و سرپرستی» مردان و آیه فوق بحثی در مورد ولایت مردان نمی‌کند؛ ولایت سلطه‌ای است که شخص بر مال و جان دیگری پیدا می‌کند. (کاتوزیان، ۱۳۸۰، ۲/۲۰۲) اصل اختیار انسان از اصول قطعی مستنتج از عقل و نقل است. علاوه براین اصل، براساس قاعده سلطنت (که سلطنت هر شخص بر نفس خود نیز قابل احصاء است) اگر انسان از محدوده شرع خارج نشود، بر همه شئون خود تسلط دارد و کسی مجاز بر ایجاد محدودیت برای او نیست (طباطبایی، ۱۴۱۸ ه.ق، ۱۷/۱۰). امروزه ریاست و سرپرستی مرد همانند یک وظیفه اجتماعی است تا اجرای حق شخصی؛ هدف شارع برتری دادن مرد بر زن و ارضای خواست‌های شخصی او نیست، رئیس خانواده بودن و مسئولیت اداره آن برای مرد، بدین دلیل است که او بهتر می‌تواند این مسئولیت را به عهده گیرد و زن معاون و همکار اوست، نه فرمانبردار مطلق. این رهبری به عهده مرد گذارده شده و او باید اختیار خویش را برای حفظ مصالح خانواده اعمال کند (کاتوزیان، ۱۳۸۰، ۱/۲۲۶).

زرگری و بهرامی احسان (۱۴۰۱) با بررسی مفهوم «قوام» و ارتباط معنایی بین آن از طریق معاجم و تفاسیر، به این نتیجه رسیده‌اند که قوامیت یک ویژگی عام برای مردان است که در جامعه و به تبع آن در خانواده معنا پیدا می‌کند و نقشی است که مرد بر دوش می‌کشد تا استحکام جامعه و خانواده را تضمین کند. تحلیل مفهوم قوامیت و مؤلفه‌های مرتبط با آن که شامل مودت، عدالت، حسن خلق، تکریم، صداقت، رفع نیازهای مادی و معنوی و غیره توسط مرد است، ترسیم‌کننده تصویری از مدیریت وظیفه‌مدار، مسئولیت‌پذیر، تکلیف‌گرا و خدمت‌گزار است نه مدیریتی مستبد، خودرأی و جزم‌اندیش که مصلحت فرد و خانواده را در نظر نمی‌گیرد.

دوم، استدلال به روایات معصومین علیهم‌السلام در لزوم اذن زوج در خروج از منزل برای مشاوره روان‌شناختی

در مورد ادله قول به لزوم اذن زوج در خروج از منزل برای مشاوره روان‌شناختی می‌توان به روایاتی که از سند معتبری نیز برخوردارند اشاره داشت. از جمله روایت «علی بن جعفر



فی کتابه، عن أخیه قال: سألتہ عن المرأة ألها أن تخرج بغير اذن زوجها؟ قال: لا....». علی بن جعفر در کتاب خود می نویسد: «از او (امام کاظم علیه السلام) درباره زنی پرسیدم که آیا بدون اذن شوهرش می تواند از منزل خارج شود؟ ایشان فرمود: نه....». در روایت دیگری در اصول کافی آمده است که امام باقر علیه السلام فرمودند: «زنی به محضر پیامبر صلی الله علیه و آله رسید و عرض کرد: ای پیامبر خدا! حق مرد بر گردن زن چیست؟ ایشان فرمودند: بر اوست که از شوهرش اطاعت کند، از خانه او بدون اذنش صدقه ای ندهد، بدون اذن او روزه مستحبی نگیرد، [از نظر جنسی] خود را از شوهرش دریغ نکند حتی اگر [باشوهرش] در کجاوه شتر باشند و از خانه اش بدون اذن شوهرش خارج نشود، اگر هم بی اذن خارج شود تا زمان بازگشت، فرشتگان آسمان و فرشتگان زمین و فرشتگان غضب و فرشتگان رحمت لعنتش می کنند» (کلینی، ۱۴۰۷ ه. ق، ۵/۵۰۷) و در موثقه سکونی از امام صادق علیه السلام نقل شده است: «پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: هر زنی که از خانه اش بی اذن خارج شود [استحقاق] نفقه ندارد تا اینکه بازگردد» (ابن بابویه، ۱۴۱۳ ه. ق، ۳/۴۳۹).

فقهها علاوه بر دلائل روایی به اجماع نیز تمسک جسته است. (سبزواری، ۱۴۱۳ ه. ق، ۲۵/۲۱۹) همچنین شهید ثانی برای اثبات این ادعا از طریق استنباط عقلی بدین نتیجه رسیده است که تمکین بر زن واجب است و اختصاص به زمان و مکان خاصی ندارد. به همین دلیل زن نمی تواند عملی انجام دهد که با این حق شوهر در تعارض باشد، مگر اینکه از شوهر اجازه داشته باشد (عاملی، ۱۴۱۳ ه. ق، ۸/۳۳۷).

اطلاق روایات شامل خروج زوجه برای مراجعه به مشاور برای مسائل روان شناسی می شود، اما اگر در میان ادله موافقین خروج بدون اذن شوهر، دلیلی بر تخصیص این اطلاقات وجود نداشته باشد عمل به این اطلاق لازم است.

۴-۱-۲. قول دوم: عدم لزوم اذن زوج، بر خروج زوجه از منزل برای مشاوره روان شناختی

دیدگاه دیگری که در اینجا مطرح است دیدگاهی است که حکم به عدم لزوم اذن زوج برای خروج از منزل برای مراجعه به مشاور برای حل مسائل و مشکلات روان شناختی است. در این رویکرد نیز دو دسته ادله دیده می شود: ادله خاص و ادله عام که منظور از دلیل خاص، آیاتی است که محور اصلی مباحث آن بحث خانواده است.



اول، ادله خاص جواز خروج زوجه از منزل بدون اذن زوج برای مشاوره روان‌شناختی

الف) آیه ۳۹ سوره نساء (قاعده معروف): خداوند متعال در ضمن آیه ۳۹ سوره نساء می‌فرماید: «وَعَاشِرُهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ». در مورد این آیه دو دیدگاه وجود دارد؛ برخی نظر بر وجوب تعامل به معروف دارند و برخی بر این عقیده‌اند که دلالت بر وجوب ندارد. اما باید گفت که «عاشروهن بالمعروف» فعل امر است و دلالت بر وجوب دارد و منظور از معروف نیز امر حسن و نیکو است. اکبری راد و ملک‌زاده (۱۳۸۸) در پژوهش خود که معنای معروف در **قرآن** و رابطه آن با حقوق زن در خانواده را بررسی کرده‌اند چنین بیان می‌داند که موارد کاربرد معروف در **قرآن کریم** نشان می‌دهد که در بعضی آیات، حقوق زنان در زندگی مشترک به طور کلی و مطلق، با این واژه بیان شده و گاه تأمین نیازهای اقتصادی و گاهی دیگر، نوع رفتار و معاشرت با زنان با این واژه تبیین شده است.

در نقد این دلیل برخی فقهاء بر این نظر هستند که «عاشروهن بالمعروف» در اینجا چیزی جز استحباب را نمی‌رساند و یا اگر هم واجب باشد، معروف به معنای آنچه که در نزد شرع حسن باشد، اطلاق می‌شود و به معنای چیزی که متعارف و مرسوم است، مراد نیست. (شیری زنجانی، ۱۳۹۶) در پاسخ باید گفت که فعل امر، ظهور در وجوب دارد به حکم عقل (مظفر، ۱۴۲۳ ه.ق). «عاشروهن» فعل امر است و همچنین بنا بر قاعده «عاشروهن بالمعروف»، در مورد معروف باید گفت که رفتار متقابل زوجین باید متناسب با عرف روزآمد جامعه مسلمانان باشد؛ بدین معنا که افزون بر آموزه‌های دینی و آنچه از کتاب و سنت برداشت می‌شود، آن بخش از عرف‌های عقلانی که در شارع مقدس به طور صریح یا ضمنی از آنها نهی نشده باشد، می‌تواند همانند آموزه‌های دینی نقش تعیین‌کننده‌ای در ترسیم نظام حقوق خانواده داشته باشد، هرچند این عرف‌ها نوپیدا باشند. به عبارت دیگر، مصادیق معروف بر حسب زمان و مکان و نیز میزان تمدن و فرهنگ جامعه اسلامی که زوجین در آن زندگی می‌کنند، می‌تواند متفاوت باشد. بنابراین، می‌توان گفت که معروف یعنی، آنچه در نزد شارع یا عرف عقلای جامعه حسنه باشد.

براین اساس اگر شوهر، همسر خود را بدون سبب یا به دلایلی که مصلحت خانواده در آن لحاظ نیست از خروج از منزل باز دارد، پیام اصلی این آیه **قرآن** را نادیده گرفته است

و حق شوهر برای خروج، این مورد را در بر نمی‌گیرد و منع از خروج برخلاف خواست و تقاضای همسر و عدم تنافی با حق استمتاع زوج، رفتار آزاردهنده تلقی می‌شود. بنابراین براساس این آیه، اطلاق روایات تخصیص می‌خورد. (نوزی، ۱۴۰۰) مرد نمی‌تواند زن را از بیرون رفتنی که برای مشاوره است، یعنی عملی که علاوه بر خواست و میل قلبی زن، رفتاری است که نزد عقلای جامعه حسنه تلقی می‌شود و برای تأمین آرامش و سلامت روحی و روانی خود و خانواده است نقش مهمی دارد، منع کند.

ب) آیه وقایه: **قرآن کریم** در آیه ۶ سوره تحریم می‌فرماید: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! خود را با خانواده خویش از آتش دوزخ نگاه دارید». فعل «قوا» به معنای حفظ شیء از چیزی که به آن ضرر می‌رساند است. «وقود»، اسم برای چیزی است که آتش با آن شعله‌ور می‌شود. (فراهدی، ۱۴۱۰، ۱۹۸/۵) این آیه به مؤمنان امر به محافظت خود و خانواده خود از آتش دوزخ می‌کند، محافظت از آتش، مصادیق گسترده‌ای دارد و شامل هر کاری است که سبب حفظ خود و خانواده از آتش دوزخ و دستیابی به سعادت ابدی می‌شود (طبرسی، ۱۳۷۲، ۴۷۷/۱۰). کلمه «قوا»، امر است و صیغه امر دلالت بر وجوب می‌کند؛ وجوب اینجا وجوب مولوی است (اعرافی، ۱۳۸۷). می‌توان استدلال کرد که مستفاد از ظاهر آیه فوق وجوب صیانت نسبت به جهنمی شدن اعضای خانواده است. مخاطب این تکلیف می‌تواند هریک از اعضا باشد، اما متیقن از آن زوجین می‌باشند که ضمن آنکه باید خود را از عذاب الهی حفظ نمایند باید همسر و فرزندان خود را نیز از عذاب مذکور مصون دارند.

چون در پژوهش حاضر مسئله استیذان زن برای خروج از منزل برای مشاوره مطرح است، روی سخن با مردان است، ملازمه خروج زن برای مشاوره... با عدم تمکین، نشوز و مخالفت با زوج است؛ چون نشوز و عدم تمکین حرام است. بنابراین، آنچه ملازم آن است و موجب پیشگیری از آن می‌شود، واجب است. گاهی مقدمه نشوز و عدم تمکین، مسئله شناختی و فکری است و گاهی فقدان مهارت در اصلاح شناخت در درمان شناختی رفتاری می‌تواند این مسئله خانواده را حل کند. در اینجا می‌توان به ادله وجوب تعلّم احکام مبتلا به استناد کرد. اینجا هم قاعده «حسن تهیه مقدمات اطاعت» که قاعده‌ای عقلی است، مطرح است. (اعرافی، ۱۳۸۵) علت تعلّم، وجوب طریقی دارد و مطابق عقل، برای دفع



ضرر محتمل و تحصیل براءت یقینی باید تعلّم کرد تا حکم واقعی درک شود. اصل ضرورت یادگیری از اینجا ناشی می‌شود که عقل حکم می‌کند از ضررهای احتمالی جلوگیری شود؛ زیرا اگر فرد دانش کافی نداشته باشد ممکن است به طور ناخواسته نادرست و برخلاف حق عمل کند. بنابراین، یادگیری نه تنها لازم است، بلکه واجب و ضروری است (اشرفی، ۱۳۹۳).

با توجه به مطالب فوق می‌توان گفت که رجوع به مشاور پیش از ازدواج برای کسانی که در آستانه ازدواج هستند، اما آگاهی کافی یا مهارت لازم برای تمکین را ندارد، لازم است؛ زیرا از دیدگاه عقل، تعلّم واجب است و با قدرت بر امتثال یقینی نوبت به امتثال احتمالی نمی‌رسد. چه بسا با تعلّم قبل از وقت، شخص می‌تواند وظیفه واقعی خود را انجام دهد. اینجا به خاطر دفع ضرر محتمل، تعلّم قبل از وقت نیز واجب است. (اشرفی، ۱۳۹۳). نگرش غالب جامعه این است که این وجوب شامل عبادات است و سایر تکالیف و رفتارها همانند وجوب تمکین و حرمت نشوز در این چارچوب تصور نمی‌شود.

دوم، ادله عام جواز خروج زوجه بدون اذن زوج از منزل برای مشاوره روان‌شناختی

الف) قاعده لاضرر: یکی از قواعد مشهور فقهی قاعده «لاضرر» است که برگرفته از حدیثی از رسول اکرم ﷺ می‌باشد که می‌فرماید: «لَا ضَرَرَ وَلَا ضِرَارَ عَلَى الْمُؤْمِنِ». (عاملی، بی‌تا، ۳۲/۱۸) قاعده لاضرر بیانگر این است که در شریعت مقدس اسلام هیچ حکمی که موجب ضرر یا ضرار باشد، وجود ندارد (مشکینی، ۱۳۸۶، ص ۲۰۳). این قاعده یکی از پنج قاعده مهم است که در اکثر ابواب فقهی به کار می‌رود و مسائل فقهی بر آن استوار است. مهم‌ترین دلیل برای نفی ضرر و ضرار، عقل و نقل است که نقل شامل آیات ۲۳۱ و ۲۳۳ سوره بقره، آیه ۱۰۷ سوره توبه و آیه ۶ سوره طلاق و برخی روایات است.

«ضرر» به معنی انجام کاری که برای یک نفر ناخوشایند یا زیان‌آور باشد، است. یا ایجاد نقص و نقصان در چیزی؛ یعنی برخلاف منفعت باشد. (جوهری، ۱۳۶۳، ۲/۷۱۹) ضرار بر وزن فعال، مصدر باب مفاعله است. بدین دلیل برخی معتقدند ضرار بر خلاف ضرر - که همیشه از یک طرف بر طرف دیگر صورت می‌گیرد - بیانگر عملی دوسویه و ورود ضرر از دوطرف است (نراقی، ۱۴۱۷ ه.ق). شارع مقدس در مقام تشریع اولیه، احکام ضرری وضع نکرده است، اما اگر یکی از احکام در مقام عمل برای شخص ضرر ایجاد کند، قاعده لاضرر، آن را مرتفع می‌کند؛

یعنی هرگاه بر موضوعی عنوان ثانوی ضرر منطبق شود، حکم اولیه آن موضوع منتفی است (علیدوست و عشایری، ۱۳۹۰). براساس تعریف امام خمینی رحمته الله علیه واژه ضرر بیشتر در زیان مالی و جانی به کار می رود، اما واژه ضرر بیشتر در معنای ایجاد فشار، اضطراب، مضایقه و سخت گیری کاربرد دارد (موسوی خمینی، ۱۳۸۵، ۳۱/۱).

با توجه به اینکه هدف از مشاوره تخصصی با توصیفی که از مشاوره ارائه شد، حل مشکلات روحی و روانی فردی و یا مسائل خانوادگی است، اگر منع از این خروج مصداق ضرر و ضرار باشد؛ یعنی عدم رجوع زن به مشاور ضرر به خود، به غیر یا به خانواده را در پی داشته باشد و یا سبب ضرر مادی یا معنوی شود، قاعده لاضرر به عنوان حکم ثانوی، دلیلی بر خروج بدون اذن برای مشاوره روان شناختی خواهد بود.

ب) شمولیت ادله رجوع به خبره و کارشناس بر وجوب رجوع به مشاوره روان شناختی: فقها بر وجود سیره عقلا در رجوع به اهل خبره تأکید داشتند و چنین بیان کردند که عقلا در هر حرفه و صنعتی بلکه در تمام امور مربوط به زندگی بر رجوع به متخصص تأکید داشته اند. (خویی، ۱۴۱۸ هـ.ق)

هر انسانی به این مسئله واقف است ممکن نیست هر فردی به تنهایی مسئولیت تحقیق و تلاش علمی کاملی در تمام ابعاد زندگی را برعهده بگیرد. به همین دلیل رویه جوامع بشری بر این استقرار دارد که در هر رشته ای عده ای تخصص یابند و هر فردی در رشته اختصاصی خود به آنچه خود او می شناسد عمل کند و در غیر آن به نظر متخصصین آن رشته اکتفا نماید. (فضل الله، ۱۴۱۸ هـ.ق) با توجه به گفته های فقها درباره اهمیت رجوع به اهل خبر و تجربه، می توان گفت که واقعیت های جامعه هم این موضوع را تأیید می کند. به طوری که در همه زمینه های زندگی، نیاز به مراجعه به افراد متخصص و ماهر مشهود است و مردم هرگاه برای انجام کاری کاری نیازمند تخصص باشند، به اهل فن مراجعه می کنند (موسوی خمینی، ۱۳۷۶، نوری همدانی، ۱۳۷۵؛ طباطبایی حکیم، ۱۴۲۲).

سیره عقلا در صورتی معتبر است که شارع با آن مخالف نباشد بلکه مورد تأیید شارع قرار گرفته باشد. در مورد سیره عقلا بر رجوع به اهل خبره، برخی از فقها ضمن اینکه ردع آن را محرز ندانسته اند به دلیل ارتکازی بودن چنین سیره ای، عدم ردع آن را کافی برای



حجیت آن دانسته‌اند. برخی نیز از عدم ردع، اشاره تأیید آن را در این زمینه نتیجه گرفتند به این بیان که این سیره چون از ابتدای حیات بشری وجود داشته و زمان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه اطهار علیهم السلام نیز به آن عمل می‌شده است، اگر با آن موافق نبودند آن را منع می‌کردند یا اگر منعی بود بیان می‌شد. در نتیجه از عدم منع نسبت به سیره مزبور، موافقت و تأیید معصومین کشف می‌شود. (صدر، ۱۳۷۸) باید گفت که وجوب این مبحث بر نوع انسان‌ها ثابت نشده است و نیاز به تأمل دارد؛ زیرا رجوع به کارشناس و مشاور، حسن عقلی دارد و حکم ارشادی است نه مولوی. فقط می‌توان گفت که اگر عدم رجوع به مشاور مستلزم ضرر متناهی باشد و ضرر برای خود یا غیر یا خانواده را در پیش داشته باشد، ذیل قاعده لاضرر قرار می‌گیرد و رجوع به مشاور خبره برای مداخله در حل بحران و دفع ضرر، وجوب پیدا می‌کند.

۵. بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف بررسی فقهی حکم اذن زوج برای مشاوره زوجه انجام شد. نتایج بررسی‌ها نشان داد که رجوع به مشاور بدون اذن شوهر در صورت استنکاف شوهر از دادن اذن، حداقل به عنوان حکم ثانوی، مشمول قاعده لاضرر است و اطلاق ادله عدم جواز خروج زن از منزل بدون اذن شوهر تخصیص می‌خورد. ممکن است مطرح شود این مسئله واضح است پس تحقیق حاضر چه ضرورتی دارد؟ باید گفت عمده بحث پژوهش حاضر اهتمام به مسئله و غفلت از رجوع به مشاور در حل مسائل روان‌شناختی و تعارضات زناشویی است. توجه به مشکلات جسمی به دلیل محسوس و ملموس بودن آن و ظهور علائم ظاهری مورد توجه قرار می‌گیرد، اما مشکلات و مسائل روحی و روانی به سبب غیر محسوس و ملموس بودن و فقدان علائم ظاهری جسمی، مورد غفلت قرار می‌گیرد. در عصر حاضر از سویی با بسط و گسترش رسانه‌های نوین و ایجاد دهکده جهانی، کم‌رنگ شدن باورهای دینی و ایجاد تعارض ارزش‌های خانواده مشاهده می‌شود و از سوی دیگر جایگزینی خانواده هسته‌ای به خانواده‌های گسترده پیشین و کاهش نقش خانواده‌های زوجین و بزرگان در حل اختلافات زوجین، سبب افزایش روزافزون آمار طلاق و فروپاشی خانواده شده است. اهتمام به مسئله مشاوره روان‌شناختی، زوج‌درمانی و خانواده‌درمانی می‌تواند



با پیشگیری از شقاق و تعارضات عمیق‌تر، سلامت ارتباطی خانواده را بازگردانده و از سیر تصاعدی آمار طلاق جلوگیری کند.

می‌توان پیشنهادهای اجرایی نهادهای آموزشی، پژوهشی، تربیتی و فرهنگی ارائه داشت، تا فرهنگ بهره‌گیری از مشاوره روان‌شناختی در درمان بیماری‌های روحی روانی و تعارضات خانوادگی همانند بهره‌گیری از پزشک و متخصص در درمان بیماری‌های جسمی در جامعه نهادینه شود. برخی از پیشنهادها عبارتند از:

- توجه به پرورش و تربیت متخصصان متعهد. حل مشکلات روان‌شناختی با رویکرد سکولار نمی‌تواند هدف اصلی فرد و خانواده را که رشد و تعالی و دستیابی به سعادت است، تأمین کند. این مهم اهتمام بیش از پیش به رشته‌های روان‌شناسی اسلامی و روان‌شناسی قرآن‌بنیان را در حوزه‌های علمیه و مؤسسه‌های آموزشی می‌طلبد.

- ورود برخی دروس در مقطع دبیرستان و دانشگاه به عنوان راهکاری پیشگیرانه در بروز آسیب‌های خانواده. دروسی که ضمن آگاهی دختران و پسران جوان با تکالیف و حقوق خود در خانواده، با شناخت تفاوت‌های روان‌شناختی زن و مرد و آموزش مهارت‌های ارتباطی لازم از آمادگی لازم برای تشکیل خانواده برخوردار شوند. امروز تمرکز مراکز آموزشی بر آمادگی‌های اقتصادی و شغلی است و این مهم مغفول مانده است.

- الزامی کردن حضور در کارگاه‌های مهارت‌های زندگی، همسررداری و... برای زوجین جوان در شرف تشکیل خانواده و قبل از ثبت عقد ازدواج رسمی.

- حمایت مالی دولت در حل تعارض‌های زناشویی و خانوادگی پیش از اینکه با هزینه‌های مالی و اجتماعی و اخلاقی طلاق و فروپاشی خانواده‌ها مواجه شود؛ زیرا یکی از موانع زوجین در رجوع به مشاور هزینه‌های سنگین مشاوره‌های روان‌شناختی و خانواده‌درمانی است. همچنین لازم است تعرفه‌های درمان روان‌شناختی نیز تحت پوشش بیمه قرار گیرد.

فهرست منابع

- * قرآن کریم (۱۳۸۰). مترجم: مکارم شیرازی، ناصر. تهران: دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی.
- * نهج البلاغه (۱۳۷۹). مترجم: دشتی، محمد. قم: انتشارات مشهور.
۱. أبو الصلاح، الحلبي (۱۴۰۳ هـ.ق). *التكافي في الفقه*. اصفهان: مكتبة الإمام أمير المؤمنين عليه السلام.
۲. احمدوند، خليل الله، وآزادی، ستاره (۱۳۹۹). بررسی فقهی و حکم تکلیفی اذن زن از شوهر هنگام خروج از منزل.





- نشریه قانون یار، ۱۱/۴، ۳۷۷-۴۰۰.
۳. احمدی، سیدمهدی، و سلیمی، سیدعلی (۱۳۸۹). بررسی فقهی مسئله خروج زن از منزل بدون اذن شوهر. *نشریه فقه و مبانی حقوق اسلامی*، ۷(۲۲)، ۱۱-۲۹.
۴. احمدیان، عبدالرسول، احمدی، محمدمهدی، مرادخانی، احمد، و عابدیان کلخوران، حسن (۱۳۹۴). مطالعه تطبیقی محدوده استیذان زوجه برای خروج از منزل در فقه فریقین. *نشریه پژوهش‌های فقه و حقوق اسلامی*، ۱۲(۴۲)، ۱۱-۲۸.
۵. اشرفی شاهرودی، مصطفی (۱۳۹۳). *درس خارج فقه: لزوم تعلم احکام*. مشاهده شده در وبسایت <https://eshia.ir/feqh/archive>.
۶. اصفهانی، سیدابوالحسن، و موسوی خمینی، روح‌الله (۱۳۸۰). *وسيلة النجاة*. قم: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام.
۷. اعرافی، علیرضا (۱۳۸۵). *درس خارج فقه تربیتی: احکام تعلیم و تعلم*. مشاهده شده در وبسایت <https://eshia.ir/feqh/archive/text/arafi/tarbiat>.
۸. اعرافی، علیرضا (۱۳۸۷). *درس خارج فقه تربیتی: وجوب تربیت*. مشاهده شده در وبسایت <https://www.eshia.ir/feqh>.
۹. اکبری‌راد، طیبه، و ملک‌زاده، فهیمه (۱۳۸۸). معناشناسی معروف در قرآن و رابطه آن با حقوق زن در خانواده. *نشریه فقه و حقوق خانواده*، ۱۴(۵۱)، ۷۰-۸۵.
۱۰. اهرمیان، افشین، سودانی، منصور، و حسین‌پور، محمد (۱۳۸۹). اثربخشی آموزش رویکرد راه‌حل محور به‌شیوه گروهی بر شادمانی و سازگاری زناشویی زوج‌های مراجعه‌کننده به مراکز مشاوره خانواده شهر بوشهر. *نشریه پژوهش‌های مشاوره تازه‌ها و پژوهش‌های مشاوره*، ۹(۳۶)، ۷-۲۸.
۱۱. ایزدی، مریم، و معین‌فر، روح‌اله (۱۳۹۹). اثربخشی زوج‌درمانی رفتاری-ارتباطی بر تعارضات زناشویی و عملکرد خانواده. *نشریه سنجش و پژوهش در مشاوره و روان‌شناسی*، ۲(۵)، ۶۵-۷۷.
۱۲. آملی، میرزا محمدتقی (۱۳۸۰). *مصابیح الهدی فی شرح العروة الوثقی*. تهران: مؤلف.
۱۳. پروین، فرهاد، و حسینی، وحیده (۱۳۹۲). شرایط قلمرو و آثار فقهی و حقوقی ریاست زوج در رابطه با زوجه. *نشریه پژوهش حقوق خصوصی*، ۲(۳)، ۶۵-۹۴.
۱۴. تبریزی، مصطفی، دیباییان، شهرزاد، کاردانی، مزده، و جعفری، فروغ (۱۳۹۱). *فرهنگ توصیفی خانواده و خانواده‌درمانی*. تهران: فراروان.
۱۵. تبریزی، میرزاجواد (۱۳۸۰). *المسائل المنتخبة*. قم: دارالصدیقه الشهیده.
۱۶. جان‌بزرگی، مسعود (۱۳۹۵). اثر خانواده‌درمانگری سیستمی معنوی بر رضایت زناشویی و کنش‌وری خانواده (الگوی مهر و قدرت). *نشریه پژوهش‌نامه اسلامی زنان و خانواده*، ۱۴(۱)، ۹-۳۸.
۱۷. جبعی‌العاملی (شهید ثانی)، زین‌الدین بن علی (۱۳۸۳). *تحریر الروضة فی شرح اللمعة الدمشقیة*. تهران: سمت.
۱۸. جبعی‌عاملی (شهید ثانی)، زین‌الدین بن علی (۱۴۱۳ هـ.ق). *مسالك الأفهام إلى تنقیح شرائع الإسلام*. قم: المعارف الإسلامیة.
۱۹. جدیری، جعفر، فتحی‌آشتیانی، علی، موتابی، فرشته، و حسن‌آبادی، حمیدرضا (۱۳۹۶). اثربخشی زوج‌درمانی با رویکرد اسلامی بر رضایت زناشویی. *نشریه مطالعات اسلام و روان‌شناسی*، ۱۱(۲۰)، ۷-۳۷.
۲۰. جمعی از پژوهشگران (۱۴۲۳ هـ.ق). *موسوعة الفقه الإسلامی طبقاً لمذهب أهل البيت علیهم السلام*. قم: مؤسسه دائرة.
۲۱. جوادی‌آملی، عبدالله (۱۳۷۱). *تفسیر سوره نساء آیه ۳۴ و ۳۵*. مشاهده شده در وبسایت <https://sath3.eshia.ir/feqh/archive/text/javadi/tafsir/71111/71>.
۲۲. جوهری، اسماعیل بن جماد، و محمد بن ابی بکر مختار، (۱۳۶۳). *المصاحح تاج اللغة و صحاح العربیة*. تهران: ناصر خسرو.
۲۳. حسن‌زاده، مهدی (۱۳۸۸). مبانی فقهی اعتبار نظر اهل خبره. *نشریه حقوق*، ۴۰(۲)، ۱۲۵-۱۳۷.
۲۴. حسینی، سیدحمیدرضا، و علی‌پور، مهدی (۱۳۸۶). روش‌شناسی اجتهاد و اعتبارسنجی معرفتی آن. *نشریه روش‌شناسی علوم انسانی (حوزه و دانشگاه)*، ۱۳(۵۰)، ۹-۲۴.
۲۵. حسینی شیرازی، سید محمد (۱۴۲۳ هـ.ق). *تقريب القرآن الی الاهدان*. بیروت: دارالعلوم.
۲۶. خمینی، سیدروح‌الله (۱۳۷۶). *الاجتهاد والتقليد*. قم: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام.
۲۷. خویی، سیدابوالقاسم (۱۴۱۸ هـ.ق). *التنقیح فی شرح العروة الوثقی (تقریرات به قلم علی غروی)*. قم: مؤسسه احیاء الآثار الامام الخویی.